

در دفاع از فولکلور

نوشته زان پل گبیرت

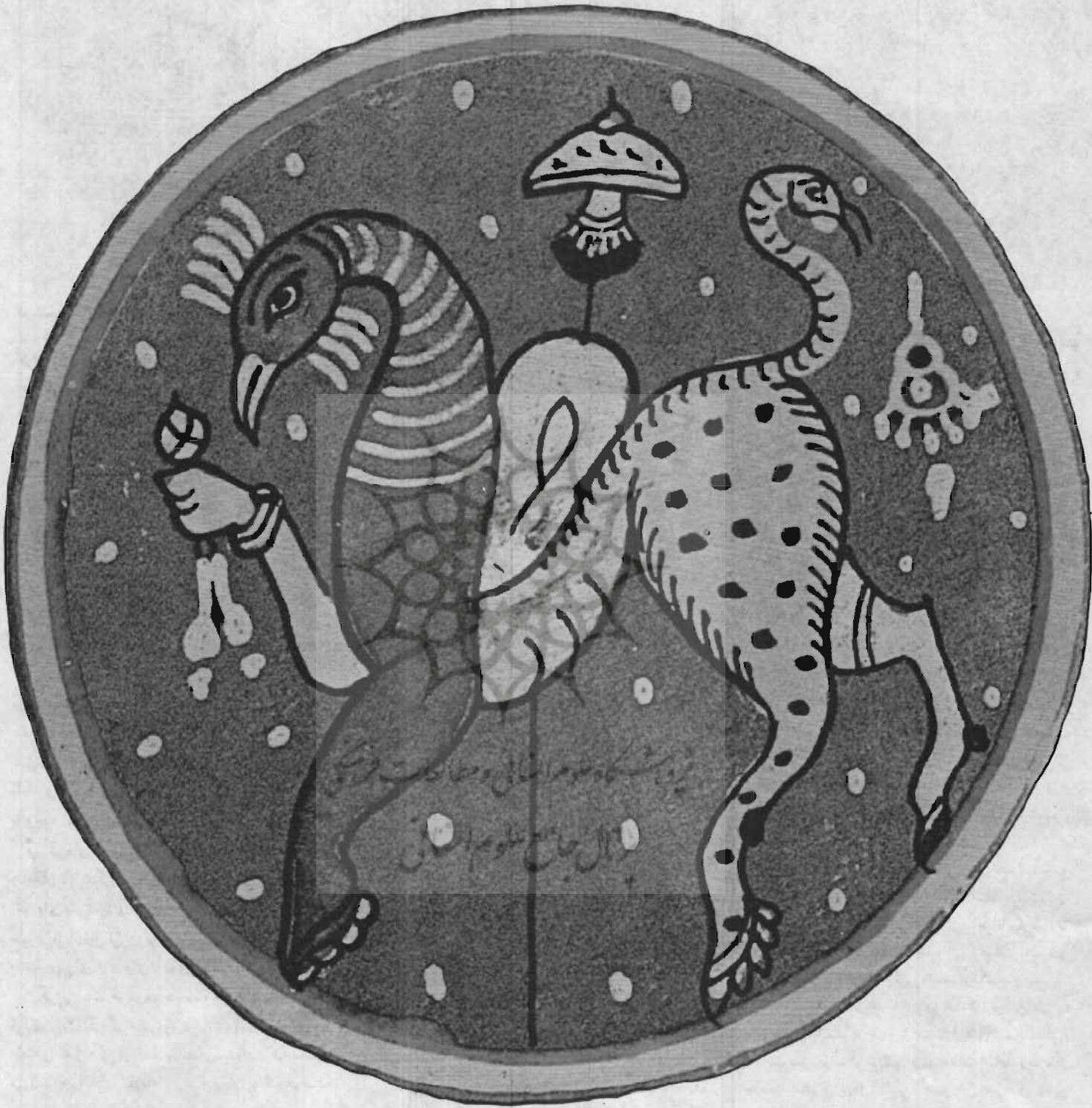


Photo © All Rights Reserved

طرح روی یک ورق بازی از پوری، شهری در استان اوریسا، هندوستان، تجسم خدای هندو که ویشنو را به صورت موجودی مرکب، ناواگونجارا، تلفیقی از انسان و حیران، پرنده و مار نشان می‌دهد.

فولکلور در جلوه‌های گوناگون خود بخشی از میراث بشریت را تشکیل می‌دهد؛ خاطرات و شعائر توده را در خود جای می‌دهد و در حقیقت موزه زنده‌ای از تمدن را به‌وجود می‌آورد. فولکلور که از طریق آداب و سنن گفتاری منتقل می‌شود و از راه جذب و تقلید و آموختن برای آیندگان به میراث گذارده می‌شود، فرار و مستغیر است. به کلامی دیگر، زنده است و این در عین حال بدان

معناست که می‌تواند بمیرد. فولکلور در چهره‌های گوناگونی ظاهر می‌شود، تبدیل می‌شود، تغییر می‌کند و تطبیق می‌یابد. فولکلور تسلبور انسان است و همانند آدمی صحت، سوء‌تغذیه، فقر و غنا دارد. شکننده و قیمتی است، همواره در معرض خطر گم شدن، فراموش شدن، مسخ شدن و البته به تاراج رفتن قرار دارد، در چارچوب هیچ تعریفی هرچند دقیق نمی‌گنجد و ◀



دو نمونه از صنایع دستی بنین. سمت راست جامی تشریفاتی که از کدوی قلبیانی ساخته شده و روی آن طرح یک دو چرخه که بدور آن نقش‌های تزئینی حکاکی شده است، دیده می‌شود. در سمت چپ، در بازار پورتونوو، پایتخت اداری بنین، فلز کاران قوطی‌های مستعمل را بوسیله نقش‌های تزئینی سنتی سوراخ کرده و آنان را به الک تبدیل کرده‌اند.

شناسایی طیف و دامنه آن بسیار مشکل است. به عبارت دیگر بسیار ارزشمند و در عین حال حفظ آن بسیار مشکل است.

به نظر می‌رسد که امروزه فولکلور در مقایسه با هنر، از شرایط چندان مطلوبی برخوردار نیست. اگرچه حفاظت از هنر نیز تا چندی پیش همین شک و تردیدها و تأمل‌ها را برمی‌انگیخت، اما به‌رحال همین بد شناسی خود نشانه زندگی است، چون مقاومت و مخالفتی که فولکلور به وجود آورده است نمایانگر آن است که فولکلور علاوه بر ویژگی‌های خاصش مانند قدرت شعری، ادبی و نمادی و امکان پلایندگی روح و روان، که به ندرت بدانها اشاره‌ای می‌شود و آن را به وسیله مؤثری در آفرینش، آموزش و انتقال ارزش‌ها بدل کرده، حیاتی و ویژه خود داشته و برای ما دارای معنای خاصی است.

نگرانی یونسکو در مورد مسئله حفظ و نگهداری از فولکلور نشانگر گرایشی رشد‌یابنده است. مردم در هر نقطه‌ای که زندگی می‌کنند بدانجا رسیده‌اند که احساس می‌کنند به ریشه‌های نیازمندند و بر این باورند که هویت‌ها را باید حفظ کرد. بدون شناخت خود و احترام به خود، شناسایی دیگران و احترام به آنها و به تفاوت‌های فرهنگی‌شان غیرممکن خواهد بود. تمایزات فرهنگی که خود ریشه تفاوت‌ها محسوب می‌شوند، سنگ محکی برای اصالت نژاد بشری بشمار می‌آیند.

مسئله اساسی در این میان حق حیات فولکلور است، حتی که به مراتب مهمتر از شناسایی موجودیت آن است و مشکلات فنی بیشماری را نیز موجب می‌شود. مشکلاتی مانند تعیین مفهوم فولکلور و اشکال مختلف آن و

چگونگی زنده نگهداشتن آنها از آن جمله‌اند. در اینجاست که انعطاف‌پذیری اقداماتمان اهمیتی ویژه می‌یابد. ما می‌توانیم از مکانیزمی که برای سایر انواع آفرینش‌های خلاقانه به کار رفته است استفاده کنیم؛ اما اصل مهم آن است که این مکانیزم باید تا حدی تعدیل شود تا با نیت خاص ما تطبیق یابد و در عین حال برای موفقیت‌های ویژه و استثناها نیز می‌باید تدارک خاصی فراهم دید تا بتوان فولکلور را پسرانگیخت و از راکد شدنش جلوگیری کرد. هرگونه اقدام افراطی چه از نظر قانونی و چه از نظر طبقه‌بندی ممکن است به زیانهای غیرقابل جبرانی منجر شود. البته می‌توان در میان تحقیق و نمایندگان گروه‌های مختلف ذینفع دست‌اندرکار در مورد مسایل فنی و ویژگی‌های خاص عملیاتی به توافق رسید تا از هرگونه عمل افراطی احتراز شود.

برای توده مردم می‌باید امکاناتی فراهم آورد تا ایشان بتوانند در وسیع‌ترین سطح ممکن با فولکلور آشنا شوند، آن را کشف کنند، از آن لذت ببرند و مورد مطالعه قرار دهند، در ضمن می‌باید فولکلور را توضیح داد، در چارچوب خاص خود نشانند و آن را مقایسه و مبادله کرد. از طریق چنین برداشتی است که فولکلور می‌تواند به عنوان عاملی بالقوه سبب ترویج ارتباطات میان مردم و در نتیجه ایجاد تفاهم میان آنها و فرهنگ‌هایشان شناخته شود.

اما شکی نیست که فولکلور بخاطر جذابیت و کشش شناخته شده‌اش می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد یا تا به آنجا مسخ و تحریف شود که اهداف آن از مسیر اصلی خارج گردند و محتوای آن در ضمن آنکه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد به انحطاط کشیده شود.

مورد ذکر شده مسایل فراوانی را از نظر حقوق فولکلور و مشکل ملموستر حفاظت از مجموعه‌های موجود فولکلور برمی‌انگیزد. در اینجا نیز باید اقداماتمان انعطاف‌پذیر باشنند؛ در غیر اینصورت فولکلور در چارچوب نظامی حفاظت شده محبوس می‌شود و از کلیه اهداف خود به دور می‌افتد. فولکلور مانند سایر اموال بشری باید از طریق قوانینی که از آن در مقابل حملاتی به تمامیت و اصلتش دفاع می‌کند، حفظ و حمایت شود. چنین حفاظت همه‌جانبه‌ای ممکن نخواهد بود مگر آنکه جامعه بین‌المللی اقدامات جهت‌داری را در این رابطه آغاز

کند و برای آنکه این اقدامات از اعتبار برخوردار باشند باید به آرا و عقاید تک‌تک اعضای جامعه بشری رجوع کرد.

فولکلور بدون انسانهایی که آن را منتقل کنند نمی‌تواند وجود داشته باشد و این افراد باید در چارچوب اجتماع و کشور خود مورد حمایت قرار گیرند. حمایت از انسانها مسئله‌ای است که باید در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرد. آگاهی از مسایل مطروحه هم باید در سطح ملی و بین‌المللی موجود باشد.

این نکته که نگرانی در این مورد مدت زمانی است احساس شده است و حتی برخی از کشورها مکانیزم ضروری برای حفاظت از فولکلور را ایجاد کرده‌اند می‌تواند منبع تجربیات گرانبهایی باشد که سبب می‌شود تا سایر کشورها از اشتباهات و لغزش‌های مشابه احتراز کنند. همکاری با این کشورها و استفاده از اطلاعات و معلوماتی که آنها کسب کرده‌اند می‌تواند راه پربایی روش‌های مختلف کاوش، جمع‌آوری و سیاهه‌برداری از فولکلور و انتشار اطلاعات مربوط به آن را کوتاه‌تر و ساده‌تر کند.

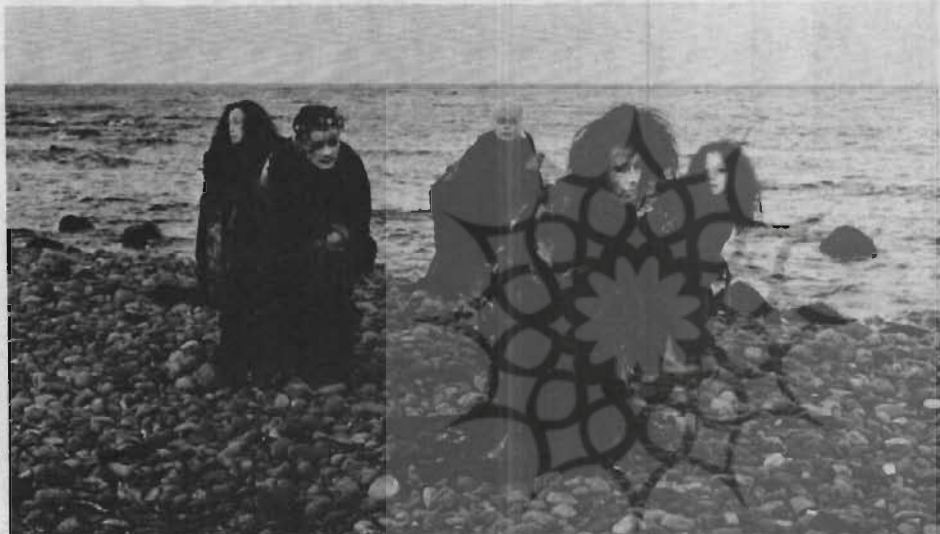
اگرچه به موقع بودن و حتی عملی بودن تصویب‌سندی تعهدآور در سطح بین‌المللی موردسؤال است، با این وجود اکثریت با تصویب‌سندی انعطاف‌پذیر و احیاناً به صورت توصیه‌نامه موافقت کرده‌اند. مجمع آئی‌کنفرانس عمومی یونسکو می‌تواند اصولی را تدوین کند و سپس از کشورهای عضو بخواهد تا آنها را به شکل قوانین ملی به تصویب رسانند. از طریق همکاری‌های بین‌المللی و حمایت ملل، یونسکو می‌تواند در جهت ایجاد زیربنای مناسب، تدوین شکل‌شناسی، آموزش پرسنل، تهیه فهرست مؤسسات و تهیه اساسنامه ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی فولکلوریک کمک‌های شایان توجهی ارائه کند. ■

ژان پل گیبترت، مجسمه‌ساز، شاعر و نویسنده فرانسوی، و نویسنده مقالاتی در مورد هنر و سنن شفاهی، وی توجهی مخصوصی به هنرهای مردمی و اصطلاحاً «ابتدایی» مسایل مربوط به حفاظت، انتشار و تبادل فرهنگ‌های جهان دارد.

تئاتر سنتی نو در ژاپن توسط هنرپیشگان حرفه‌ای پنج مدرسه که از قرن هفدهم به بعد به رسمیت شناخته شده‌اند اجرا می‌شوند. در سال ۱۹۱۰ شکل بسیار قدیمی نو در کوراکاوا، دهکده‌ای دور افتاده و تولید کننده برنج که در شمال شرقی توکیو قرار دارد، کشف شد. این نمایش قرن‌ها قدمت دارد و هنوز هم سالی نش مرتبه توسط دو گروه از بازیکنان مستعد محلی بر روی صحنه‌ای که بانور شمع روشن می‌شود، اجرا می‌گردد. (سمت راست).

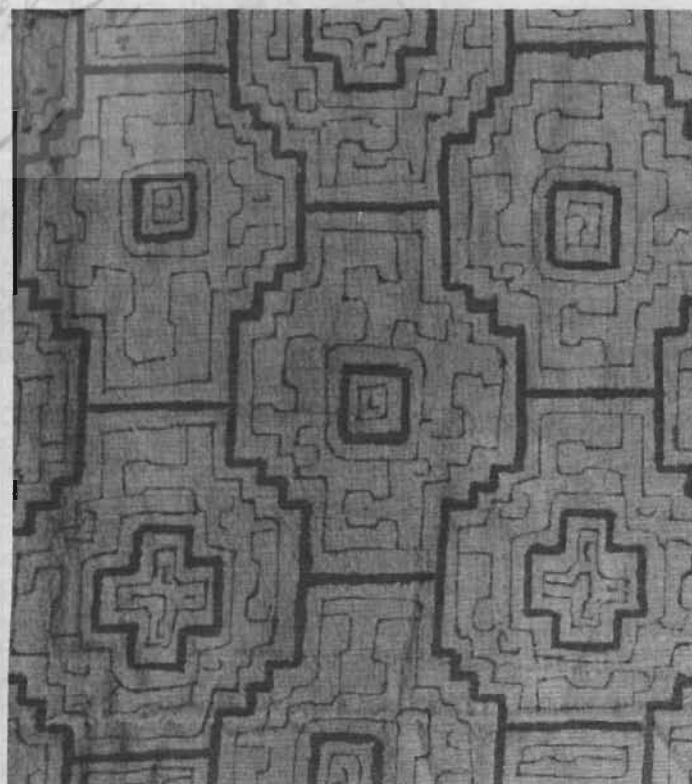


بوتو از زمان پیدایش آن در دهه ۶۰ به بعد، به یکی از مهم‌ترین رقص‌های مدرن ژاپن بدل شده است. بوتو دارای حرکاتی آرام و رویا مانند است که در فضایی از تمرکز شدید اجرا می‌شود و بدین طریق اجرا کنندگانش را به دنیایی از سایه‌ها کشانده آنان را به جستجوی سرچشمه زندگی و رقص وامی‌دارد. بوتو به طور عمده متکی بر بدیهه‌سازی اجرا کنندگان است. این اجرا کنندگان که بدن خود را با آرایشی سفید می‌پوشانند از طریق حرکت بدنشان تصویری از زندگی درونیشان را به بیننده القای می‌کنند. این رقص را می‌توان با کوروگرافی بسیار مختصر به اجرا درآورد و گروه‌های اجرا کننده این رقص بدینوسیله سعی می‌کنند دنیایی خلق کنند یا زبان اشاره‌ها را که از زندگی سنتی روزمره بدیشان به میراث رسیده مجدداً کشف کنند.



شهرش که علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

قطعه‌ای پارچه کتان و ظرف سرامیک منقوش که توسط سرخپوستان شیپیبوی پرو ساخته شده و با طرح‌های هندسی سنتی که نشانه قبیله می‌باشند تزئین شده است.



قالب نان زنجبیلی از جنس چوب درخت سیب که
تصویری از آدم و حوا بر آن است، بخشی از مجموعه
مهرها و قالب‌های چوبی قرن‌های هفده، هجده و نوزده
که در شهر تورون لهستان ساخته شده‌اند.



عکس پایین صفحه این فرس قفقازی مربوط به قرن
نوزدهم متعلق است به منطقه قره‌باغ آذربایجان (اتحاد
جماهیر شوروی). طرح‌های S مانند نشانگر اژدهای
خوش قلب و خط‌های مورب نشانه آب جاری است. در
زیر عکسی از لطیف کریمف بافنده و طراح تزئینی را
مشاهده می‌کنید که کتاب مهمی هم در مورد قالب‌های
آذربایجان نگاشته است.

